

دکتر دیوید دسیلوا ، جهان فرهنگی عهد جدید جلسه ۸، خوانش عبرانیان هماهنگ با پاکی و آلودگی ،

دیوید دسیلوا و تد هیلدبرانت © 2024

این دکتر دیوید دسیلوا در تدریس خود در مورد «جهان فرهنگی عهد جدید» است. این جلسه هشتم خواندن عبرانیان هماهنگ با پاکی و آلودگی «است».

در این سخنرانی پایانی این مجموعه، با هم به بررسی چگونگی بررسی آنچه در مورد پاکی و آلودگی و حقوقی که از طریق آنها از یکی به دیگری منتقل می‌شویم، خواهیم پرداخت.

ممکن است متنی از عهد جدید را باز کند، و برای این موضوع، به نامه به عبرانیان برمی‌گردیم. یکی از چیزهایی که احتمالاً باید ابتدا به آن فکر کنیم، مسئله بزرگتر برخی از این مقررات طهارت در یک جماعت پولس است. به احتمال زیاد مخاطبی که نویسنده عبرانیان به آن می‌پردازد، در نتیجه موعظه پولس یا موعظه یکی از همکاران نزدیک پولس شکل گرفته است.

یکی از محدود سرخ‌هایی که در مورد خود نامه داریم، از سلام‌های پایانی در فصل ۱۳، آیه ۲۳ می‌آید. نویسنده می‌نویسد: می‌خواهم بدانی که برادرمان تیموتائوس آزاد شده است و اگر به موقع بیاید، وقتی تو را می‌بینم با من خواهد بود. بنابراین، آن ارتباط با تیموتائوس، که بدیهی است یکی از افراد دست راست پولس در تیم پولس بود، این نامه و کلیسا یا کلیساهایی را که این نامه خطاب به آنها است، به مأموریت پولس پیوند می‌دهد.

اگر این یک دوره آموزشی در مورد عبرانیان بود، می‌توانستیم در مورد مسائل مربوط به نویسندگی در رابطه با عبرانیان صحبت کنیم. به نظر من، این قطعاً توسط خود پولس رسول به دلایل مختلف نوشته نشده است، که یکی از آنها این واقعیت است که نویسنده از خود به عنوان دریافت کننده کلام از طریق موعظه دیگران صحبت می‌کند. در حالی که پولس در سایر رساله‌های خود، مانند غلاطیان، صریح و قاطع است که او انجیل را دریافت کرده و از طریق وحی مستقیم خدا به ایمان رسیده است و نه از طریق یک انسان یا از طریق انسان‌ها.

بنابراین، ما احتمالاً به متنی نگاه می‌کنیم که از مأموریت پولس آمده است. و این اشاره در ۱۳:۲۳ نشان‌دهنده‌ی علاقه‌ی مداوم به هماهنگی حرکات اعضای تیم پولس است. حال، از آنجایی که این یک جماعت پولس است، می‌توانیم بگوییم که یک عنصر بسیار مهم از قوانین پاکی بنی اسرائیل قبلاً مورد بررسی قرار گرفته و کنار گذاشته شده است.

و این مرز بین یهودی و غیریهودی در درک پولس از آنچه خدا در عیسی مسیح انجام داده است، می‌باشد. باز هم، با مراجعه به برخی از نامه‌های اصلی پولس، رومیان و غلاطیان، پولس بسیار صریح است و به تفصیل این ایده را بسط می‌دهد که جدایی یهود از سایر مردمان زمین به گذشته در تاریخ برخورد خدا با بشریت تعلق دارد. و اکنون، در مسیح، چیزی کاملاً جدید اتفاق افتاده است که یهودی و غیریهودی را در شرایط برابر و با شرایط یکسان گرد هم می‌آورد.

اگرچه نویسنده‌ی رساله‌ی افسسیان مورد اختلاف است، اما من فکر می‌کنم که این رساله، نوشته‌ی پولس است که توسط پولس نوشته شده است. مهم نیست چه کسی آن را نوشته باشد، نویسنده واقعاً تأکید پولس در مورد نقشه‌های جمعیتی و تغییری که در نقشه‌ی جمعیتی یهودیان و غیریهودیان رخ داده است را

درک می‌کند. بنابراین، در آیات ۱۴ و ۱۵ از باب ۲ می‌خوانیم که خدا هر دو گروه را به یک گروه تبدیل کرده و دیوار جدایی که همان دشمنی بین ماست را فرو ریخته است.

او شریعت را با احکام و فرامینش منسوخ کرده است تا بتواند به جای آن دو، یک بشریت جدید در خود ایجاد کند و بدین ترتیب صلح برقرار سازد. نویسندگان عبرانیان همچنین درباره تجربه روح القدس از سوی آن جماعت صحبت می‌کند. آنها به عنوان بخشی از تجربه ایمان آوردنشان، از توزیع روح القدس طبق اراده خدا بهره‌مند شده‌اند.

همچنین، نویسندگان از دریافت سهمی از روح القدس توسط آنها صحبت می‌کند. این تأکید بر روح القدس، تأکيدات موجود در نامه‌های پولس و همچنین اعمال رسولان فصل‌های 10:11 و 15 را نیز به یاد می‌آورد، مبنی بر اینکه عطای روح القدس، روح القدس، به یهودیان و غیریهودیان بر اساس اعتماد آنها به عیسی نشانه‌ای از تعالی نقشه‌های پاکی قدیمی مردم است. غیریهودیان اکنون اگر به مسیح اعتماد کنند، برای خداوند مقدس هستند، همانطور که یهودیان با اعتماد به مسیح برای خداوند مقدس هستند.

و عطای روح القدس به هر دو در مسیح، این بازنویسی نقشه‌های پاکی را تأیید می‌کند. بنابراین، اگر خدا دیگر قصد نداشته باشد که مانعی بین یهودی و غیریهودی در قوم جدید خدا که در مسیح گرد هم آمده‌اند وجود داشته باشد، تمام قوانین پاکی مربوط به حفظ آن مرز از بین می‌روند و در واقع، باید تا حدی کنار گذاشته شوند که آنچه را که خدا اکنون در یک بدن به هم پیوسته است، از هم جدا کنند. بنابراین می‌بینیم که مسیحیت پولسی ضرورت مقررات غذایی را رد می‌کند و در واقع، رد مقررات غذایی را ضروری می‌سازد، مقرراتی که ممکن است باعث شود یهودیان در سفره‌های جداگانه‌ای از مسیحیان یهودی غذا بخورند.

برای مثال، می‌بینیم که این موضوع به طور برجسته در غلاطیان ۲:۱۱ تا ۱۴ منعکس شده است. و در اینجا در اول تیموتائوس ۴:۴ تا ۵، به نوعی به عنوان یک اصل کلی بیان شده است، هر آنچه که توسط خدا آفریده شده است نیکوست و هیچ چیز را نباید رد کرد، مشروط بر اینکه با شکرگزاری پذیرفته شود. و این کلمه کلیدی است، زیرا توسط کلام خدا و دعا تقدیس می‌شود.

با این حال، جالب توجه است که خود پولس و اعضای هیئت پولس همچنان در مورد غذایی که برای بت‌ها قربانی می‌شود بسیار محتاط هستند. اگر غذا واقعاً از هرگونه ارتباط، چه مادی و چه کلامی، با بت جدا باشد، اشکالی ندارد. اما به محض اینکه موضوع بت‌پرستی مطرح می‌شود، به چیزی تبدیل می‌شود که باید از آن پرهیز کرد زیرا آن مرز، مرز بین قوم خدا و مسیح و اعمال بت‌پرستانه، همچنان مرزی است که باید به هر قیمتی حفظ شود.

حتی رعایت سبت، که یکی دیگر از نشانه‌های بارز تفاوت بود، و ختنه به عنوان یک حق، دیگر در جامعه جدید مسیح، تا آنجا که به پولس و رسالت او مربوط می‌شود، ارزش تجویزی ندارند. و وقتی نویسندگان ما، نویسندگان عبرانیان، در فصل ۴: ۹ تا ۱۱ درباره استراحت سبت می‌نویسد، استراحت سبت مورد توجه او استراحت روز هفتم هر هفته در این دنیا نیست. بلکه استراحت سبت است که فراتر از این قلمرو، برای همیشه از آن لذت برده می‌شود.

این مکانی است که خدا در آن آرام گرفته است، قلمرو الهی فراتر از خلقت مادی و مرئی. این سرزمین آسمانی، شهر جاودان، قلمرو آسمانی است که حضور کامل خدا در آن ساکن است. با وجود تمام این چیزهایی که در ابتدا گفته شد، نوعی تمرکز مجدد بر نگرانی‌های مربوط به پاکی و آلودگی در مأموریت پولس هنوز هم می‌بینیم که از زبان پاکی برای تقویت مرزها استفاده می‌شود.

با این حال، این مرز بین یهودی و غیریهودی به معنای واقعی کلمه نیست، بلکه مرز جدیدی بین مسیحی، چه یهودی و چه غیریهودی، و غیرمسیحی، چه یهودی و چه غیریهودی، است. این موضوع، به عنوان مثال، در شیوه رایج صحبت کردن در مورد مسیحیان به عنوان مقدسین، نوعی کلمه واحد از لاتین، به معنای مقدسین، تقدیس شده‌ها، دیده می‌شود. این یک نمونه است و ما آن را در سراسر عبرانیان، به عنوان مثال در ۶:۱۰ می‌بینیم. نویسندگان به جماعت‌هایی اشاره می‌کنند که به یکدیگر خدمت می‌کنند، به مقدسین خدمت می‌کنند و به این خدمت ادامه می‌دهند.

و در دروهای پایانی، او از شنوندگان می‌خواهد که به همه مقدسین، همه تقدیس‌شدگان، همه مقدسین درود بفرستند. او حتی در آیه ۲:۱۱ با صراحت بیشتری درباره کسی که مقدس می‌کند و کسانی که مقدس می‌شوند صحبت می‌کند، که همه از یک منشأ می‌آیند، یعنی مسیح و همه کسانی که در مسیح هستند. اما او سپس خیلی صریح درباره کسانی که در مسیح هستند صحبت می‌کند که جدا می‌شوند، تقدیس می‌شوند نوعی عمل آیینی را انجام می‌دهند، حتی اگر آن آیین کاملاً به صورت مجازی درک شود، که آنها را برای خدا جدا می‌کند به گونه‌ای که دیگران برای خدا جدا نمی‌شوند.

با این حال، نویسندگان عبرانیان فراتر از این می‌رود و به طور خاص شرح می‌دهد که چگونه مسیحیان برای خدا جدا شده‌اند، پاک و تقدیس شده‌اند، نه تنها برای اینکه به خدا تعلق داشته باشند، بلکه برای اینکه بدون واسطه وارد حضور مقدس خدا شوند. این یکی از نکات اصلی عبرانیان است که کمی بعد به تفصیل در مورد آن صحبت خواهیم کرد، اما فقط برای روشن شدن موضوع. نویسندگان عبرانیان به شدت به این واقعیت علاقه‌مند است که تحت عهد عتیق، نقشه فضاها مصون از تعرض باقی مانده است.

مهم نبود در معبد چه اتفاقی می‌افتاد، اسرائیلی‌های غیرروحانی نمی‌توانستند وارد قدس‌الاقداس شوند. بنابراین دسترسی به خدا در این نقشه از افراد و فضاها بود. دسترسی به خدا محدود بود و هیچ راهی برای فراتر رفتن از این محدودیت‌ها و رسیدن به حضور خدا وجود نداشت.

حال، از یک نظر، البته، هر بنی اسرائیلی می‌توانست به حضور خدا بیاید. مزامیر گواهی بر زندگی پربار دعا هستند. و فقط برای اینکه تبلیغ دیگری برای کتب آپوکریفا ارائه دهیم، چندین دعای موجود در آن گواهی بر زندگی پربار دعا یهودیان در طول این دوره است، به این معنا که آنها می‌توانستند به حضور خدا بیایند.

اما به معنای بسیار واقعی دیگر، آنها نمی‌توانستند به حضور خدا بیایند. آنها مجبور بودند در اینجا متوقف شوند و بگذارند دیگران، حتی یک نفر، کمی فراتر بروند. و نویسندگان عبرانیان تحت تأثیر این واقعیت قرار گرفته است که با مرگ عیسی، همه اینها اکنون از بین رفته است.

و هر کسی که از طریق مسیح به خدا نزدیک شود، به اندازه‌ای شایسته، تقدیس شده و مقدس می‌شود که نمی‌تواند به قدس‌الاقداس روی زمین برود، که در هر صورت فقط یک کپی است، اما می‌تواند وارد قلمرو الهی شود و برای همیشه در حضور واقعی خدا در آنجا زندگی کند. و این، برای نویسندگان عبرانیان، بزرگترین موفقیتی است که اکنون در مسیح رخ داده است. با این حال، برای بازگشت به جایی که در این ارائه خاص هستیم، به چند متنی که نویسندگان در مورد این موضوع صحبت می‌کنند، نگاهی می‌اندازیم.

در فصل ۱۰، آیه ۱۰، او می‌گوید، ما از طریق قربانی بدن مسیح، عیسی مسیح، یک بار برای همیشه مقدس شده‌ایم. و تنها چند آیه بعد در ۱۰:۱۴، مسیح با یک قربانی واحد، کسانی را که مقدس می‌شوند برای همیشه کامل کرده است. نویسندگان در اینجا در مورد نوعی آیین تطهیر، به خودی خود، صحبت می‌کنند، اما یک آیین تقدیس که برای افرادی که به واسطه مرگ عیسی به او ایمان دارند، اتفاق افتاده است.

برخلاف نقشه مردم در اسرائیل باستان، که در آن فقط کاهنان مراسم تقدیس را پشت سر می گذاشتند که آنها را برای خدمت در اماکن مقدس متمایز می کرد، نویسندگان عبرانیان مرگ عیسی را چیزی می دانند که انسان معمولی را که به عیسی اعتماد دارد، دگرگون و تقدیس کرده است تا همه آنها با هم بتوانند از آن مرزها عبور کرده و به حضور واقعی خدا برسند. حال، نویسندگان فرضیه اساسی را که زیربنای سیستم قربانی اسرائیل است، می پذیرد و آن این است که بدون ریختن خون، هیچ آمرزشی از گناهان وجود ندارد. اما او آن را در مورد مرگ عیسی، برخلاف قربانی های گاو و بز، به عنوان یک حذف قطعی گناهان مؤمن، نه تنها از وجدان مؤمن، بلکه از خود خاطره خدا نیز به کار می برد.

و بنابراین، در عبرانیان ۹، آیات ۱۳ تا ۱۴ می خوانیم، اگر خون گاوها و بزها و خاکستر پاشیده شده گوساله کسانی را که از نظر پاک جسم آلوده شده اند، تقدیس می کند، چقدر بیشتر خون مسیح، که خود را بی عیب و نقص از طریق روح ابدی به خدا تقدیم کرد، وجدان ما را از اعمال مرده پاک خواهد کرد تا بتوانیم خدای زنده را پرستش کنیم؟ در اینجا، نویسندگان برای اثبات استدلال خود، دوگانگی بین تطهیر بیرونی و تطهیر درونی را مطرح می کند. او همچنین به قربانی های حیوانات تحت قانون لاویان به عنوان اعمالی نگاه می کند که آلودگی بیرونی را برطرف کرده و با آن مقابله می کنند، اما با آلودگی درونی مقابله نمی کنند. او ادعا می کند که قربانی بهتر از قربانی عیسی از خود، عمل کامل اطاعت او، به بیانی تا حدودی بی رحمانه، یک شوینده آیینی با قدرت بسیار بیشتر است.

چیزی که در اعماق وجودش فراهم می کند، پاکیزگی است، نه فقط پاکیزگی بیرونی که کاری انجام می دهد و امکان تعامل با خدا را فراهم می کند، بلکه پاکیزگی سراسری که امکان دسترسی کاملاً صمیمانه به خدا را در مکان خود خدا، در فضای خود خدا، در خود بهشت فراهم می کند. همانطور که قبلاً اشاره کردم، اما اکنون می خواهم با جزئیات بیشتری در مورد بازنویسی نقشه های فضای مقدس و افرادی که در سخنرانی قبلی خود با آنها روبرو شدیم توسط نویسندگان عبرانیان صحبت کنم. ما در مورد نقشه معبد صحبت کردیم و باید آن را در اینجا به خاطر بسپاریم.

نویسندگان عبرانیان از دسترسی درجه بندی شده به خدا که توسط نقشه های معبد و نقشه افرادی که قادرند کسانی که به واسطه درجات بالاتر تقدس مجهز شده اند، برای عبور از خطوط روی آن نقشه نشان داده شده است، آگاه است، بسیار آگاه است. نویسندگان عبرانیان معتقد است که به نظر می رسد این نشان دهنده گامی کاملاً جدید در تأمل یهودی، تأمل مسیحی یهودی در عهد عتیق است. نویسندگان عبرانیان معتقد است که این بهترین چیز برای قوم خدا نبود، که در نهایت، دیدگاه خدا برای قوم خدا باید از آن محدودیت های دسترسی به حضور خود خدا فراتر می رفت، همانطور که آن نقشه ها به نوعی ترسیم و جاودانه می شدند.

به نظر نمی رسد نویسندگان خودش هیچ استفاده ای از فضاهای مقدس اورشلیم داشته باشد، هرچند که به شدت به آنها علاقه مند است. او در مورد آنها کاملاً بر اساس کتاب مقدس صحبت می کند، نه بر اساس تجربه. هر آنچه که او در مورد آنها می گوید در مورد خیمه و چادر است.

او در واقع درباره معبد مرمرین زیبایی که در زمان او وجود داشته، یا به احتمال زیاد در زمان نگارش کتابش وجود داشته، صحبتی نمی کند. از آنجا که این مکان ها، مکان هایی نیستند که در آنها واسطه گری مؤثر با خدا اتفاق بیفتد، صرفاً از اهمیت ثانویه و نمادین برخوردارند.

نویسندگان عبرانیان، مانند بسیاری از یهودیان دوره معبد دوم، خیمه یا معبد را کپی از معبد آسمانی می دانست. نویسندگان عبرانیان، اما نه فقط خودش، افرادی مانند نویسندگان حکمت سلیمان، به آیه ای در سفر خروج نگاه می کنند که در حال حاضر از نظر ارجاع به فصل و آیه از نظر من دور مانده است، اما خدا به موسی می گوید، ببین که همه چیز را طبق الگویی که در کوه به تو نشان داده شد، بسازی. می خواهم بگویم خروج ۲۵۴۰. اما این برای من مثل انداختن تاس است، ۲۵۴۰.

و یهودیان با خواندن این مفهوم، بسیار خوب، به موسی یک طرح اولیه نشان داده نشد، بلکه به موسی معبد آسمانی نشان داده شد. و دستورالعمل‌هایی در مورد چگونگی ساخت مدلی از آن در فضاهای زمینی که در آن قربانی‌ها و وساطت انجام می‌شد، داده شد. نویسنده عبرانیان سپس می‌گوید، ما واقعاً نگران وساطتی که در نسخه زمینی اتفاق می‌افتد نیستیم.

ما نگران وساطتی هستیم که در خود معبد، خود خیمه، جایی که خدا ساکن است، اتفاق می‌افتد. چیزی که خیمه و سپس معبد کپی آن بودند. در اینجا، درباره مرگ و عروج عیسی به آسمان صحبت خواهیم کرد.

معبد زمینی فقط یک الگو بود. میانجیگری قطعاً مؤثر باید منتظر کسی می‌بود که بتواند وارد مکان مقدس آسمانی شود. در آنجا، میانجیگری‌ای اعمال می‌شد که تفاوت تعیین‌کننده‌ای در دسترسی انسان به خدا ایجاد می‌کرد.

این امر تمام مرزهای دسترسی به خدا را که در نقشه لایوان از فضاها و افراد نشان داده شده بود، در هم می‌شکست. نویسنده استدلال می‌کند که سیستم قربانی خیمه صحرا، خیمه بیابان و سپس، البته، بعدها معبد اورشلیم، هرگز نتوانست قاطعانه با گناهان مردم برخورد کند. همانطور که او می‌گوید، این سیستم تا حدودی امکان فعالیت مداوم بین مردم و خدا را فراهم می‌کرد، اما هرگز به طور قاطع با آن گناهان برخورد نمی‌کرد، به طوری که خود مردم بتوانند پاک، به اندازه کافی پاک و مقدس شوند تا به خدا نزدیک‌تر از آنچه نقشه‌های فضاهای مقدس اسرائیل اجازه می‌داد، نزدیک شوند.

نویسنده عبرانیان به گذشته نگاه می‌کند و می‌گوید آن افراد حتی نمی‌توانستند وارد کپی زمینی قدس‌الاقداس شوند، چه برسد به ورود به خود بهشت، قدس‌الاقداس واقعی که حضور خدا در آن نه فقط نوعی نمادپردازی، بلکه کاملاً محقق شده است. چرا؟ نویسنده در 10:4 به طرز شگفت‌آوری می‌گوید که غیرممکن است خون گاوها و بزها گناهان را از بین ببرد. حال، این یک اعلامیه قابل توجه است، در حالی که کتاب مقدس، لایوان 17:11، می‌گوید که زندگی جسم در خون است.

من آن را به شما داده‌ام تا کفاره جان‌هایتان را بر روی قربانگاه بپردازید، زیرا مانند زندگی، این خون است که کفاره می‌دهد. اما نویسنده از نظر تاریخی به رسم قوم یهود نگاه می‌کند و متوجه می‌شود که این قربانی‌ها بارها و بارها اتفاق می‌افتند و هیچ چیز برای مردم تغییر نمی‌کند. او به تکرار قربانی‌های حیوانی، به ویژه در روز سالانه کفاره، نگاه می‌کند و می‌گوید که خود تکرار، بی‌اثر بودن آنها را آشکار می‌کند، وگرنه، با لحنی بلیغ می‌پرسد، آیا قربانی کردن آنها متوقف نمی‌شد؟ همچنین، او این ادعای جسورانه را مطرح می‌کند زیرا آلودگی‌ای که بیش از همه نیاز به زدودن داشت، مسئله وجدان انسانی بود، از این رو فراتر از دسترس آنچه نویسنده آن را حقوق خوب فقط برای تطهیر بیرونی می‌دانست، و مسئله‌ای مربوط به تخریب قدس‌الاقداس آسمانی بود، از این رو فراتر از دسترس کاهنان اعظم لاوی.

بنابراین، هر آنچه که در روز کفاره در خیمه در بیابان یا در معبد اورشلیم اتفاق می‌افتاد، نوعی الگو و پیشگویی از آنچه که برای تطهیر قطعی از جانب مردم لازم بود، بود. از این رو، نویسنده در فصل ۹۲۳ نتیجه می‌گیرد که لازم بود نسخه‌های اماکن مقدس در آسمان‌ها، که همان خیمه زمینی هستند، با چیزهایی مانند خون گاوها و بزها تطهیر شوند، اما خود اماکن آسمانی نیز باید با قربانی‌هایی بهتر از اینها تطهیر می‌شدند. از این رو، مرگ عیسی همان چیزی است که او به عنوان عامل مؤثر در این تطهیر مطرح خواهد کرد.

علاوه بر این، نویسنده اظهار می‌کند که خود کاهنان لاوی برای این کار کافی نبودند. نقطه شروع نویسنده در اینجا دوباره یک اصل کلی است که زیربنای فرقه معبد اورشلیم را تشکیل می‌دهد. و در اینجا از عبرانیان ۵: ۱:

می‌خوانم که هر کاهن اعظم که از میان انسان‌ها گرفته شده است، به نمایندگی از انسان‌ها در رابطه با امور مربوط به خدا منصوب می‌شود.

اما مسئولیت خود کاهن اعظم در قبال گناه، مستلزم آن است که او ابتدا قربانی‌هایی را برای مقابله با گناهان خود و خانواده‌اش تقدیم کند، پیش از آنکه بتواند گناهان مردم را تقدیم کند. این یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی قربانی‌های روزانه و همچنین روز کفاره است، همانطور که توصیفات، یا بهتر است بگوییم دستورالعمل‌های مربوط به آن، در لاویان نشان می‌دهد. اولین حیوانی که قربانی می‌شود برای گناهان کاهن است، نه گناهان مردم.

با این حال، عیسی، که بدون گناه و از این رو بدون هیچ گونه آلودگی در خود است، واسطه‌ای کیفی‌تر است. با این حال، او به عنوان کاهن یا واسطه تثبیت نشده است، نه بر اساس نسب‌نامه، نه به این دلیل که از قبیله‌ای می‌آید که از سایر قبایل جدا شده بود تا برای خداوند مقدس‌تر باشد، قبیله لاوی، بلکه او بر اساس یک زندگی فناپذیر به عنوان کاهن تثبیت شده است. و در اینجا، البته، نویسنده به رستاخیز خود از مردگان فکر می‌کند.

نویسنده به تازگی با یک چکش الهیاتی، بنیان‌های خطوط تمایز و سلسله مراتب داخلی اسرائیل، تمایز لاوی، از بقیه بنی اسرائیل و در درون آن، قبایل کاهن در خانواده لاوی را مورد حمله قرار داده است. اکنون، نویسنده به مرگ عیسی به عنوان عملی نگاه می‌کند که مردم را تقدیس می‌کند، مردمی را که معمولی هستند، در بر می‌گیرد و آنها را مقدس می‌کند تا بتوانند به خدا دسترسی داشته باشند، دسترسی‌ای که فقط کاهنان تقدیس شده و حتی کاهن اعظم تقدیس شده زمانی از آن برخوردار بودند، و حتی فراتر از آن. و بنابراین، او مرگ و اطاعت عیسی از خدا و عروج عیسی به آسمان را به عنوان حامل اهمیت یک روز کفاره کیهانی تفسیر می‌کند.

حالا، امیدوارم که شما به خواندن عبرانیان ۷ تا ۱۰ ادامه دهید و در حین خواندن، با این اصطلاحات به آن فکر کنید. از این واقعیت غافل نشوید که نویسنده از این زبان، این الگوی آیینی، یعنی روز کفاره، به عنوان چارچوبی تفسیری برای مصلوب شدن و پیامدهای آن استفاده می‌کند. و بنابراین، می‌دانید، به نظر می‌رسد که نباید استعاره‌های نویسنده را ملموس‌تر کنیم.

ما نباید تصور کنیم که عیسی واقعاً با ظرفی از خون خود وارد بهشت می‌شود. این ماده مادی نیست که اهمیت دارد. این اطاعت عیسی از خدا تا پای مرگ است که اهمیت دارد و این اثر تقدیس‌کننده را دارد.

اما نویسنده عبرانیان، استعاره‌ها و تفسیر او تنها به دلیل قدرت و نیروی قوانین پاکی و حقوق تطهیر و حقوق تقدیس در جهان باستان، قدرت و نیروی توضیحی دارند. حال، اگرچه در مورد برخی از مواردی که قبلاً گفته‌ام کمی اضافی خواهیم بود، می‌خواهم در اینجا به سازوکار خود مراسم روز کفاره، همانطور که در لاویان ۱۶ آمده است، و سپس آنچه نویسنده عبرانیان از آن به عنوان چارچوبی برای تفکر در مورد مرگ و عروج عیسی ارائه می‌دهد، نگاهی بیندازم. بنابراین، در روز کفاره، در یوم کیپور، تعدادی از اعمال به ترتیب خاصی اتفاق می‌افتند.

اول، و من چند نکته را حذف می‌کنم؛ در غیر این صورت، بهتر است فقط لاویان ۱۶ را برای شما بخوانم. ابتدا، کاهن اعظم یک مراسم غسل تعمید انجام می‌دهد، غوطه‌وری در آبی که با آلودگی مقابله می‌کند. سپس کاهن اعظم یک گاو نر را برای گناهان خود و گناهان خانواده‌اش قربانی می‌کند.

او خون این گاو را به قدس الاقداس می‌برد و خون گاو را هفت بار بر سرپوش صندوق عهد می‌پاشد. سپس دو بز را در حضور خداوند حاضر می‌کند و بر سر آنها قرعه می‌اندازد و بر سر هر کدام که قرعه بیفتد، آن

یکی را قربانی می‌کند، آن یکی را می‌کشد و دوباره مقداری از خون آن را به قدس الاقداس می‌برد و دوباره سرپوش صندوق عهد را که به عنوان تخت رحمت نیز شناخته می‌شود، می‌پاشد. سرپوش صندوق عهد اساساً جایی است که خدا بر آن می‌نشیند، پایه تخت او در آن مکان است.

بنابراین، او دوباره خون این بز را بر صندوق عهد می‌پاشد. سپس دست خود را بر بز دیگر، بز زنده، می‌گذارد و به طور نمادین تمام گناهان کل قوم اسرائیل را به آن بز منتقل می‌کند. و سپس آن بز را به بیابان می‌فرستد تا در واقع به عزازیل تعلق داشته باشد تا بمیرد.

با این حال، نکته مهم این است که بز، در گشت و گذارهای خود، گناهان و آلودگی‌های مردم را از آنها، از اردوگاه، و البته بعداً، از مکان‌های مسکونی اسرائیل دور می‌کند. سپس، کاهن اعظم مراسم شستشوی دیگری را انجام می‌دهد.

بعد از اینکه همه چیز تمام شد، و او بخشی از گاو نر و بخشی از بز اول را به عنوان قربانی سوختنی تقدیم کرد، حداقل چربی قربانی می‌شود. باید اعتراف کنم که در برداشت من، لاویان در این مرحله کمی مبهم است، اما من محقق لاویان نیستم.

سپس بقایای این حیوانات به خارج از اردوگاه برده می‌شوند و کاملاً در آتش سوزانده می‌شوند. آنها کاملاً در خارج از اردوگاه مورد مراقبت قرار می‌گیرند. توجه داشته باشید که طبق این آیین، هم مردم و هم محراب درونی، مقدس‌ترین مقدسات، نیاز به تطهیر از گناهان دارند.

از این رو دو بز وجود دارد. دومی، تطهیر قدس الاقداس، به طور چشمگیری نمایانگر توهین، آلودگی و بنابراین تهدیدی است که گناه در میان مردم آن سرزمین برای حضور خدای مقدس در میان آنها ایجاد می‌کند. اکنون همه اینها چارچوبی برای تفسیر نویسنده عبری از مصلوب شدن و عروج عیسی می‌شود.

و همانطور که قبلاً اشاره کردم، او از رستاخیز صحبت می‌کند و آن را مسلم می‌داند. فقط اینکه خود رستاخیز به خودی خود در عبرانیان ۹ و ۱۰ دخیل نیست. بنابراین، نقشی در این نسخه کیهانی از این آیین ندارد.

اولین نکته قابل توجه، عدم نیاز این کاهن به تقدیم قربانی برای گناهان خود است. در عبرانیان ۷ می‌خوانیم که برخلاف دیگر کاهنان اعظم، عیسی نیازی به تقدیم قربانی روزانه، ابتدا برای گناهان خود و سپس برای گناهان مردم، ندارد. او این کار را انجام داد، قربانی برای گناهان مردم، او این کار را یک بار برای همیشه انجام داد، زمانی که خود را تقدیم کرد.

زیرا شریعت کسانی را به عنوان کاهنان اعظم منصوب می‌کند که ضعیف هستند و از این رو باید برای گناهان خود قربانی بدهند. اما کلمه سوگند، که دیرتر از شریعت آمده است، پسری را منصوب می‌کند که برای همیشه کامل شده است. پس، این نوعی نقطه عدم همبستگی است زیرا عیسی مجبور نیست کاری را که کاهنان اعظم باید در مورد آن حیوان اول، یعنی گاو نر، که برای گناهان خود کاهن قربانی می‌شد، انجام دهد.

سپس، نویسنده عبرانیان درباره مرگ عیسی در خارج از شهر صحبت می‌کند. او این نکته را مرتبط می‌داند که محل مصلوب شدن در داخل اردوگاه نبوده، بلکه گوی خارج از اردوگاه بوده است. و این تشبیه را در فصل ۱۳ مطرح می‌کند.

زیرا اجساد آن حیواناتی که خونشان توسط کاهن اعظم به عنوان قربانی گناه به محراب آورده می‌شود، در بیرون از اردوگاه سوزانده می‌شوند. بنابراین، عیسی نیز در بیرون دروازه شهر رنج کشید تا مردم را با خون خود تقدیس کند. بنابراین، ما آن تشبیه را داریم که در آن عیسی، در واقع، نقش آن بزی را که برای گناهان مردم ذبح شده بود، بر عهده می‌گیرد.

اما همچنین، ما فقط با گناهان، ببخشید، لکه گناه بر وجدان خود سر و کار نداریم. ما همچنین با آلودگی گناه در حضور خدا سر و کار داریم. و بنابراین، نویسنده عبرانیان، همانطور که در فصل 9، آیات 11 و 12 می‌نویسد، به ورود عیسی به بهشت به عنوان بخشی از این مجموعه آیینی نگاه می‌کند.

وقتی مسیح به عنوان کاهن اعظم چیزهای نیکویی که آمده است، آمد، آنگاه از طریق خیمه بزرگتر و کامل‌تر، که با دست ساخته نشده است، نه از این خلقت، یک بار برای همیشه وارد مکان مقدس شد، نه با خون بز و گوساله، بلکه با خون خودش، و بدین ترتیب رستگاری ابدی را به دست آورد. و دوباره، در عبرانیان 9، 23 تا 24، نویسنده در مورد پاشیدن خون گاو و بز بر روی درب صندوق عهد می‌نویسد. او می‌نویسد که لازم بود طرح‌های چیزهای آسمانی با این آیین‌ها تطهیر شوند، اما خود چیزهای آسمانی مقدس‌ترین مقدسات واقعی خدا فراتر از آسمان‌های مرئی، به قربانی‌های بهتری از اینها نیاز دارند.

زیرا مسیح وارد محراب ساخته دست بشر، که صرفاً کپی از محراب حقیقی باشد، نشد، بلکه اکنون به خود آسمان وارد شد تا از طرف ما در حضور خدا ظاهر شود. حتی تا حدودی ظهور دوم در این آیین ادغام شده است، زیرا، البته، کاهن اعظم از اماکن مقدس دوباره ظهور می‌کرد و این ظهور مجدد، نشانگر پایان و تحقق مؤثر آیین‌های روز کفاره بود. و به همین ترتیب، مسیح نیز، که یک بار برای تحمل گناهان بسیاری قربانی شده بود، بار دیگر ظاهر خواهد شد، از قدس الاقداس آسمانی باز خواهد گشت، بار دیگر باز خواهد گشت و ظاهر خواهد شد، نه برای مقابله با گناه، بلکه برای نجات کسانی که مشتاقانه منتظر او هستند.

اطاعت عیسی از جانب پیروانش، بدین ترتیب بر تطهیر کامل تأثیر می‌گذارد، به طوری که پیروان او اکنون، و این دستاورد درخشان است، پیروان او اکنون نه تنها برای عبور از آستانه به قدس الاقداس در اورشلیم، زیرا این فقط یک الگو است و به حساب نمی‌آید، بلکه برای عبور از آستانه به قدس الاقداس در خود آسمان و در نتیجه لذت بردن از حضور خدا برای همیشه، شایسته شده‌اند. و بنابراین نویسنده می‌نویسد، بنابراین متاسفم، این فصل 10، آیه 19 و بعد از آن است، بنابراین برادران و خواهران، از آنجایی که ما به واسطه خون عیسی جسارت ورود به اماکن مقدس را داریم، بیایید با قلبی صادق و اطمینان کامل از ایمان، پس از شستن قلب‌ها از وجدان شریر و شستن بدن با آب پاک، نزدیک شویم. به نظر من در این پاراگراف اشاره آشکاری به غسل تعمید وجود دارد که نقشی در اعمال تطهیر برای فرد مسیحی ایفا می‌کند، همانطور که کاهن اعظم قبل از ورود به نسخه قدس الاقداس باید غوطه‌وری آیینی انجام می‌داد.

در مسیح، دسترسی به خدا دیگر با تابوهای آلودگی و خطوط صعب‌العبور محصور نمی‌شود، بلکه به بازگشتی جشن‌گونه به خانه تبدیل می‌شود که در آن بسیاری از پسران و دختران می‌توانند وارد خانه پدر خود در خود بهشت شوند. در حال حاضر، این امید مسیحیان است که به درون پرده‌ای که عیسی به عنوان پیشرو از طرف ما وارد شد، وارد می‌شود و آن تصویر از عبرانیان 6 تصور می‌کند که ما نوعی طناب در قدس الاقداس آسمانی داریم و آن طناب امید ما، ارتباط ما با عیسی، پیشگام ما، پیشرو ما که از طرف ما به آنجا رفته است، است. همچنان که مؤمنان به سفر ایمان خود ادامه می‌دهند، به جای عقب‌نشینی، خود به آستانه خود بهشت نزدیک‌تر و نزدیک‌تر می‌شوند، جایی که آنها برای عبور از طریق فداکاری تقدیس‌کننده عیسی شایسته شده‌اند.

و بنابراین، مانند متون حمایت و عمل متقابل که قبلاً در سخنرانی چهارم خود بررسی کردیم، زبان پاک و فداکاری نیز شنوندگان را در مسیر شاگردی به سوی هدف، در برابر نیروی مقاومت همسایه‌شان، به جلو

سوق می‌دهد. این امر همچنین در این واقعیت منعکس می‌شود که ترک گردهمایی اکنون به عنوان گناه عمدی تعریف می‌شود، که برای آن، و در اینجا نیز، نویسنده فرضیات کدهای پاکی تورات را می‌پذیرد و از آنها استفاده می‌کند، که برای آن هیچ قربانی برای گناهان وجود ندارد. اکنون نویسنده اعمال خاصی را به عنوان اعمالی که برای رابطه بین خدا و قوم خدا ارزشمند هستند، ترویج می‌کند.

بدیهی است که هیچ یک از قربانی‌های لاویان دیگر ارزشی ندارند، زیرا همه آنها در قربانی واحد عیسی به نمایندگی از ما جایگزین و برتر شده‌اند. با این وجود، شاگردان، به عنوان قومی تقدیس‌شده، اکنون در موقعیتی هستند که نوعی خدمت کاهنی ارائه دهند و اعمالی را انجام دهند که به واسطه جدید تبادل بین خدا و قوم خدا تبدیل می‌شود. بنابراین، در عبرانیان ۱۳ می‌خوانیم: «پس از طریق او، پس از طریق عیسی، بیاید همیشه قربانی ستایش را به خدا تقدیم کنیم، قربانی‌ای که شامل ستایش است، یعنی ثمره لب‌هایی که «آشکارا نام او را اعلام می‌کنند».

فراموش نکنیم که نیکی کنیم یا به دیگران ببخشیم، زیرا با چنین فداکاری‌هایی، خدا بسیار خشنود می‌شود. بنابراین، نویسنده مخاطبان خود، مخاطبان مقدس خود را که اکنون آماده‌اند، هر زمان که روز موعود فرا برسد، به حال خود رها می‌کند تا وارد خود بهشت، قدس‌الاقداص واقعی خدا، شوند. او آنها را با این وظیفه کاهنی، گویی، رها می‌کند تا در بحبوحه جهانی که بالقوه خصمانه است، به شهادت دادن به مسیح ادامه دهند و به ارائه اعمال محبت و خدمت به یکدیگر ادامه دهند، زیرا این چیزها در کنار هم فداکاری‌ها و زبان تبادل هستند که اکنون برای خدا در این سوی عیسی معنا دارد.

کاوش‌های ما، چه در مورد قوانین تاریخی پاکی و آلودگی و چه در مورد عبرانیان، و به طور کلی‌تر، در مورد رسالت پولس، ممکن است ما را به بررسی مجدد خطوط پاکی امروز سوق دهد. و از یک سو، آنها ما را به فراتر رفتن از خطوط خاص فرا می‌خوانند. ما یا به این باور پایبندیم که همه کسانی که به مسیح ایمان آورده‌اند، در مسیح یک بدن هستند، یا از پایبندی به آن سر باز می‌زنیم.

اجتناب از آلودگی یک استراتژی دفاعی برای محافظت از پاکی یا تقدس است، اما خود عیسی مسیح تعریف جدیدی از چگونگی انعکاس تقدس خدا ارائه داد. دیگر مسئله مقدس بودن و در نتیجه پرهیز کامل از برخی آلودگی‌ها و احتیاط در برابر افراد آلوده مطرح نیست، زیرا من مقدس هستم، اما اکنون این پرهیز، مهربانانه است، همانطور که پدر شما مهربان است. و این یک استراتژی بسیار متفاوت است.

این یک استراتژی برای گسترش مهربانی به عنوان وسیله‌ای برای انعکاس شخصیت اساسی خداوند است. از نحو کلام می‌توان دید که این تغییر شکل لاویان ۱۱ است: مقدس باشید، زیرا من مقدس هستم.

مهربان باشید، زیرا من مهربانم. دگرگونی نقشه‌های پاکی و آلودگی اسرائیل در رسالت عیسی و در جنبشی که او به وجود آورد، ما را به چالش می‌کشد تا نقشه‌های خود، جوامع و ملت خود را از پاکی و ناپاکی، نقشه‌های خودی‌ها و غیرخودی‌ها بررسی کنیم و اجازه ندهیم که آن خطوط یا آن نقشه‌ها، بر دیدگاه خدا برای یک بشریت جدید در مسیح غلبه کنند. در عین حال، خطوطی وجود دارد که باید به آنها توجه کرد.

بدن مسیح مقدس است. این بدن برای امتیاز عظیم تعامل صمیمانه با خدای مقدس، پاک و تقدیس شده است. تنها درک عمیق از قدرت و خطر امر مقدس، و دقتی که در دنیای باستان با آن صورت می‌گرفت، می‌تواند ما را برای درک متناسب آنچه عیسی با مرگ، عروج و فرستادن روح القدس بر ما برای ما انجام داد، آماده کند.

اما اکنون که ما بدین گونه تقدیس شده‌ایم و با روح القدس، روح القدس بر ما قرار گرفته است، ما به چالش کشیده شده‌ایم که در راستای این پاکسازی گام برداریم و از تقدس بدن مسیح محافظت کنیم.

چگونه برای انجام این کار هدایت می‌شویم؟ خب، متون عهد جدید ما را راهنمایی می‌کنند تا از تقدس بدن مسیح در برابر آلودگی اختلافات داخلی، بازی‌های قدرت یا سایر پارگی‌ها در تار و پود بدن مسیح محافظت کنیم. تا آن را از آلودگی اعمال، ارزش‌ها و اهداف دنیا، تا جایی که این موارد مانع از دیدگاه عادلانه خدا برای قوم خدا و برای کل جهان می‌شوند، محافظت کنیم.

و البته، برای محافظت از تقدس بدن مسیح از آلودگی سوء رفتار خودمان، جایی که وسوسه می‌شویم از انگیزه‌های احساسات و خواسته‌هایی پیروی کنیم که ما را به تخطی از معیارهای تقدس و عدالت خدا سوق می‌دهند. در مجموع، توجه به دنیای فرهنگی که کلیسای اولیه، اعتقادات، اعمال و نوشته‌های آن در آن شکل گرفته‌اند، بیش از آنکه ما را به شنیدن اصیل‌تر آن متون سوق دهد، ما را به امکان پیروی اصیل‌تر از آن متون نیز سوق می‌دهد، زیرا در نظر می‌گیریم که چگونه آنها فرضیات فرهنگی، اعمال فرهنگی خود ما و نحوه محدود کردن تجسم ما از دیدگاه خدا برای قوم خدا را به چالش می‌کشند.

«من دکتر دیوید دسیلوا هستم در تدریسش در مورد «جهان فرهنگی عهد جدید». «این جلسه هشتم است «خواندن عبرانیان، هماهنگ با پاکی و آلودگی».